در گلستان هنر چون نخل بودن بارور

سخنی در آغاز چهارمین سال *گلستان هنر*

ای‌خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن
دل تهی از خوب و زشت چرخ اختر داشتن
گوشوار حکمت اندر گوش جان آویختن
چشم دل را با چراغ جان منور داشتن
در گلستان هنر چون نخل بودن بارور
عار از ناچیزی سرو و صنوبر داشتن
(پروین)

۱

به یاری و لطف خدای مهربان، در این بهار *گلستان هنر* پا به چهارسالگی می‌گذارد. خوشیِ خبر آغاز سالی دیگر برای کارگزاران و علاقه‌مندان هر نشریهٔ تخصصی و فرهنگی در سرزمین ما نه فقط از آن روست که نشریهٔ محبوبشان سالی دیگر را سپری کرده است و با توفیق بر راه خود می‌رود؛ بلکه بیشتر ناشی از نوعی شگفتی است ــ شگفتی از اینکه چگونه آن نهال نو در برابر طوفانهای گوناگون دوام آورده است. مگر نه این است که التذاذ از نیکویی و زیبایی نیز همواره با نوعی احساس شگفتی همراه است؟! بی‌ثباتی عارضه‌ای است دامن‌گیر کمابیش همهٔ نشریات فرهنگی و تخصصی؛ چه خصوصی و چه دولتی. بیشتر این‌گونه نشریات در بخش خصوصی گرفتار بحران مالی‌اند؛ و عامل اصلی بحران مالی هم نه فقط گرانی مواد و خدمات گوناگون مرتبط با کار نشریات، بلکه گرد نیامدن توان مدیریت مالی با فهم فرهنگی و علمی در جامعهٔ ماست. بسیار اندک‌اند کسانی که در آنها فهم فرهنگیِ لازم با توان مدیریت، به‌ویژه مالی و بازرگانی گرد آمده باشد؛ آن‌چنان‌که اگر نشریه‌ای سالیانی چند پایدار بماند، اهل نظر در عمق آن به چشم تردید می‌نگرند! این نشریه‌ها در بخش دولتی نیز گرفتار بحران تغییر مدیریتها و سلایق و گاهی دگرگونیِ نوع و عمق جهلها و بی‌اعتنایی مدیران به کارهای ژرف و ماندنی و بی‌همتی آنان در کاشتن درختانی‌اند که برای چیدن میوه‌شان باید سالیانی درنگ کرد. در طی تاریخ شناختهٔ این سرزمین، گویی بیشتر کارهای ماندنی آن‌گاه پدید آمده است که صاحب‌قدرتی فهیمْ دست حمایت خود را بر شانهٔ اهل علم و فرهنگ نهاده است. اگر خدا بخواهد و روزگاری معلوم شود که این گلستان کوچک هنر هم در صفِّ نِعال کارهای ماندنی بوده است، باید آن را ناشی از تکرار چنین الگویی در جامعه و فرهنگ ایران در روزگار ما بدانند.

از بحرانهای مالی و مدیریتی در کار نشریات گفتیم؛ اما پوشیده گذاشتن بحران اصلی در این کار هم ناانصافی است. بحران اصلی نشریات پژوهشی، خاصه در حوزهٔ هنر، در یک کلام «بحران نوشتن» است. اندیشمندان راستین به‌دشواری دست به قلم می‌برند؛ اندیشمندانِ عاریتیْ «ترجمه‌ای» می‌اندیشند و زبان فارسی و ذهن مخاطبان را از واژه‌ها و ترکیبهای نامأنوس و نامفهوم

می‌آکنند؛ دانشجویانِ دل‌بستهٔ اندیشه، این اندیشمندان عاریتی را راستین می‌شمارند؛ هنرمندان قلم زدن را دون شأن بیان عاطفی خود می‌شمرند؛ نویسندگان نویسندگی نمی‌دانند؛ مترجمان نگران فهم خواننده نیستند؛ پژوهندگان، که غالباً چیزی «پژوهش»نام را از معلمان و کتابهای جهان انگلیسی‌زبان آموخته‌اند، تفکر و تحقیق را با وصله کردن آراء و اقوال دیگران یکی می‌انگارند؛ ... . دشواری اصلی در کارِ فراهم آوردن نشریه‌ای تخصصی در حوزهٔ هنرْ از «بحران نوشتن» برمی‌خیزد: باید نوشته‌ای فی‌الجمله تازه یافت که دست‌کم سطحی نباشد؛ آن را از کثرت نقل قولها پیراست؛ نظام ارجاعات و فهرست منابع آن را سامان داد؛ زبان آن را پاکیزه کرد و لفظ را با مقصود نویسنده هماهنگ ساخت؛ ترجمه را با اصل مقابله کرد؛ رنگ زبان بیگانه را از ترجمه زدود؛ اصطلاحات و ضبط اَعلام را یکدست کرد؛ ... ؛ و در همان حال، نظم انتشار نشریهٔ ادواری را پایید. آنچه گفتیم البته بسیاری از مقاله‌های *گلستان هنر* را شامل نمی‌شود و کم نبوده‌اند استادان پیر و جوانی که مقاله‌های‌شان مایهٔ حیات این فصلنامه و اصحاب آن بوده است؛ اما ماجرایی که گفتیم ماجرای اصلی کار در این‌گونه مجلات است و بخش بیشتر وقت و نیروی گردانندگان مجله صرف آن می‌شود. غرض این است که مجله در خدمت پالودن اندیشه در حوزهٔ تخصصی خود و فرونشاندن غبارها و الگو ساختن و آموختن شیوهٔ پژوهش و فرونگذاشتن جانب عزیز زبان فارسی و اندیشهٔ ایرانی باشد؛ اما پرسش بنیادین اهل ذوق از ما این است که آیا با چنین کاری، مجله چهرهٔ اندیشیدن و نوشتن را در روزگار ما نمی‌آراید و آن را نیکوتر از آنچه هست نمی‌نماید؟

۲

زمانی که نام «گلستان هنر» برای این مجله پیشنهاد شد، برای برخی از دوستان غریب می‌نمود. آنان را با این توضیح قانع کردیم که اگر مجلهٔ ما نخستین نشریه‌ای باشد که مستقیماً و مستقلاً به تاریخ هنر اختصاص دارد؛ خوب است همنام نخستین کتابی در تاریخ ایران باشد که می‌توان آن را نیای مکتوبات تاریخ هنر ایران ــ به معنای امروزینش ــ شمرد: *گلستان هنر* قاضی احمد منشی قمی، که در اواخر قرن دهم هجری، در زمان صفویان، نوشته شده است. با همهٔ سخنانی که دربارهٔ دقت و اعتبار برخی مطالب این کتاب می‌رود، نمی‌توان اهمیت و جایگاه آن را در تاریخِ تاریخِ هنر ایران نادیده گرفت.

در سرمقالهٔ نخستین شمارهٔ این مجله، گفتیم که *گلستان هنر* هم به مباحث نظری تاریخ هنر خواهد پرداخت و هم به مطالعات تاریخی هنرهای ایرانی. در یازده شماره‌ای که از این مجله منتشر شده است به این حدود وفادار مانده و کوشیده‌ایم آن را و هویت مجله را روشن‌تر و تکلیفهای آن را آشکارتر سازیم. ادوار مجله با «دوفصل» آغاز شد و به لطف الهی با گذشت یک سال به «فصل»، که دوره‌ای مناسب‌تر برای این‌گونه مجلات است، کوتاه شد. هر شمارهٔ مجله معمولاً با مباحث نظری در زمینهٔ تاریخ هنر آغاز شده است؛ مباحثی از این قبیل: واژه‌شناسی تاریخ هنر، دشواریهای نگارش تاریخ هنر ایران، هویت ایرانی و مرزهای ایران فرهنگی، دوره‌بندی و طبقه‌بندی در تاریخ هنر، چیستی تاریخ هنر، نسبت نظریهٔ هنر با تاریخ، نقد تلقی مورخان از هنر، نشانه‌شناسی در تاریخ هنر. گذشته از بنیادهای نظری تاریخ هنر، *گلستان هنر* به دیدگاهها و رویکردها و روشهای تاریخ‌نویسی هنر، تاریخِ تاریخ هنر، آموزش تاریخ هنر، نقد تاریخی هنر، آموزش تاریخ هنر نیز پرداخت. در هر شماره در پی مباحث مربوط به نظر و روش، مقاله‌های مربوط به مطالعات تاریخی هنرهای گوناگون ایران‌زمین آمده است. در میان مقاله‌های مربوط به مطالعات تاریخی هنر ایران، همهٔ هنرها و فنون کمابیش سهمی داشته‌اند: نقاشی، خط، کتاب‌آرایی، موسیقی، عکاسی، هنرهای نمایشی، سینما؛ و چنان‌که از موضوع اعلام‌شدهٔ فصلنامه پیداست، سهم معماری و شهرسازی بیش از دیگران بوده است. در این میان، به موضوعهایی که کمتر بدانها اعتنا می‌شود بیشتر پرداخته‌ایم؛ مانند دیدگاههای خاص برآمده از فرهنگ دینی و ایرانی و تلاش برای قرائت درونی از تاریخ، معرفی منابع مغفول و ناشناختهٔ تاریخ هنر ایران، اهمیت انسان (حامی و بانی، هنرمند، مخاطب) در تاریخ هنر ایران.

۳

از زمانی که فصلنامه کمابیش قوام یافت ــ از شمارهٔ ۵ به بعد ــ کوشیدیم هر شماره موضوع غالبی داشته باشد

که دست‌کم نیمی از مقاله‌ها بدان اختصاص یابد. باقی مقاله‌ها را هم به موضوعهای دیگر سپردیم، تا پیوند مجله با انواع خوانندگان جویای مطالب گوناگون سست نشود و نیز مقاله‌های موضوعهای دیگر بیش از حد در صف انتظار طبع نمانند.

موضوع غالب این شماره «باغ ایرانی» است. این موضوع را از آن رو اختیار کردیم که سالهاست سخن تازه‌ای در آن نگفته‌اند و بیشتر آنچه در این زمینه منتشر شده تکرار مکررات است. در آغاز، نگران بودیم که نتوان مجموعه‌ای شایسته و تازه در این باره پدید آورد؛ لیکن به لطف خدا و همت اهل قلم، مجموعه‌ای بیش از ظرفیت یک شماره گرد آمد و ناگزیر یکی دیگر از شماره‌های *گلستان هنر* در سال جاری را نیز به این موضوع خواهیم پرداخت. موضوعهای دیگر امسال چنین است: مرمت و تاریخ معماری در ایران (بزرگداشت دکتر سیدباقر آیت‌الله‌زاده شیرازی)، حمایت و حامیان و بانیان در تاریخ هنر ایران. همهٔ اندیشمندان و محققان را که در این زمینه و در زمینهٔ دیگر علایق *گلستان هنر* سخنان تازه و ناگفته دارند به همکاری دعوت می‌کنیم.

سردبیر